

بررسی انتقادی برنامه درسی ملی در حوزه آموزش زبان‌های خارجی

Critical Review of National Curriculum in the field of Foreign Language Teaching

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱/۲۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۲۷

S.B.Alavimoghaddam(Ph.D)
R.Kheirabadi (Ph.d)

سیدبهنام علوی مقدم^۱
رضا خیرآبادی^۲

Abstract: In this article, we studied the national curriculum of Islamic Republic of Iran in field of teaching foreign languages (especially English) from a critical stand point to find the adequacy level of this document in realizing the objectives mentioned in higher level documents such as the 20-year national vision, the comprehensive scientific road map and the national document of education of the Islamic Republic of Iran. Methodologically, the research extracted the related parts of the above mentioned documents initially and studied the adequacy of the national curriculum in the field of teaching foreign languages. The results of this study show that although the national curriculum of Iran holds some considerable advantages, the successful application of its elements in area of teaching foreign languages requires preparation of some prerequisites.

Keywords: National Curriculum, Teaching Foreign Languages, Communicative Approach, Applied Linguistics.

چکیده: در این مقاله از منظری انتقادی به محتوای سند برنامه درسی ملی در حوزه آموزش زبان‌های خارجی پرداخته و می‌کوشیم به این پرسش پاسخ گوئیم که سند مذکور در بخش آموزش زبان خارجی (به طور خاص زبان انگلیسی) تا چه میزان محقق کننده اهداف کلان تعیین شده در اسناد فرادستی تر مانند سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، سند نقشه جامع علمی کشور و سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت می‌باشد و تحقق این اهداف مستلزم چه پیش نیازها و مقتضیاتی است. در انجام این تحقیق ابتدا بخش‌های مرتبط با موضوع آموزش زبان‌های خارجی در اسناد ذکر شده استخراج و سپس میزان انطباق برنامه درسی ملی در حوزه یادگیری زبان‌های خارجی از نگاهت نهایی (نگاشت چهارم) این برنامه با اسناد کلان و چالش‌های محتمل فراوری اجرای این بخش از سند به بحث گذاشته شد. نتایج نشان داد که برنامه درسی ملی در حوزه یادگیری زبان‌های خارجی کوشیده است اهداف تعیین شده در اسناد فرادستی را تا حد زیادی تأمین نماید (برای مثال با تأکید بر استفاده از رویکرد ارتباطی و تدریس هر چهار مهارت زبانی) اما تمهید برخی پیش نیازها و تدابیر جهت اجرای بهینه این سند در مقام عمل ضروری می‌نماید.

کلید واژه‌ها: سند برنامه درسی ملی، آموزش زبان‌های خارجی، شیوه ارتباطی، زبان‌شناسی کاربردی.



مقدمه

سیاست‌گذاری آموزش زبان خارجی^۱ در هر کشور از مهم‌ترین موضوعات کلان مرتبط با حوزه آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی محسوب می‌شود که از یک سو با توجه به نقش مهمی که دانستن زبان‌های خارجی در موفقیت فردی و اجتماعی فراگیران در سطح ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند و از دیگر سو ضرورت حفظ و تقویت ارزش‌ها و باورهای مذهبی و ملی افراد در دهکده جهانی می‌تواند تأثیرات بلند مدت و عمیقی بر نسل‌های مختلف یک ملت داشته باشد. سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی و آموزشی به عنوان خط مقدم و سرمنشاء تحولات فرهنگی و آموزشی، نقش انکارناپذیری در آینده علمی میهنمان ایفا می‌کند. در دورانی که ضرورت ایجاد تحول بنیادین در آموزش و پرورش کشور در عالی‌ترین سطوح مورد تأکید قرار گرفته است شاهد تدوین اسناد و سیاست‌گذاری‌های زیر بنایی و بسیار مهمی از جمله «سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران»، «سند نقشه جامع علمی کشور» و «سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت» هستیم که هدایت‌گر و زمینه ساز تحقق تحول بنیادین در عرصه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. این اسناد بالادستی که با رویکرد تأکید بر عناصر و دستاوردهای بومی و پرهیز از فروغلتیدن در ترجمه صرف منابع خارجی تدوین گردیده‌اند نقشه راه و قطب‌نمای حرکت نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور محسوب می‌شوند. در پژوهش حاضر پس از استخراج فرازهای مرتبط با آموزش زبان خارجی در اسناد کلان، می‌کوشیم با نگاهی انتقادی به سند برنامه درسی ملی، میزان انطباق و همسویی آن با اسناد فرادستی را بررسی کرده و ضمن بررسی نقاط قوت و ضعف این برنامه (که تا زمان انجام این پژوهش در بهار ۱۳۹۱ نهایی و ابلاغ نگردیده است) به این پرسش پاسخ گوئیم که آیا این سند به صورت بالقوه، توانایی تحقق اهداف مشخص شده در اسنادی مانند چشم انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور را داراست یا خیر؟ و چه مقدمات و ملزوماتی برای تحقق هدف-گذاری‌های انجام شده در این سند مورد نیاز است؟

این نکته را نباید از نظر دور داشت که از زمان آغاز آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی تاکنون نظام آموزشی کشور از فقدان سیاست آموزشی مدون در بخش آموزش زبان (و بیشتر حوزه‌های آموزشی) رنج برده است و نفس نگارش چنین برنامه‌ای

آن هم با رویکرد استفاده از منابع و توانمندی‌های ملی قابل تقدیر است اما این واقعیت نمی‌بایست مانع از نقد سند مهم و تأثیرگذاری همچون سند برنامه‌درسی ملی کشور به ویژه در حوزه حساسی مانند آموزش زبان انگلیسی گردد.

ابتناء پژوهش حاضر بر اسناد نهایی و ابلاغ گردیده‌ای مانند سند چشم انداز و نقشه جامع علمی کشور و همچنین جدیدترین نگاهت‌های اسناد در حال نهایی شدنی مانند فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه درسی ملی می‌باشد.

بیان مسأله، پیشینه تحقیق و چارچوب نظری:

کریستال (۲۰۰۳) معتقد است که زبان انگلیسی، زبان اول چهارصد میلیون گویشور و زبان دوم تقریباً همین تعداد گویشور در هفتاد و پنج کشور جهان است و تعداد فراگیران این زبان را بیش از یک میلیارد نفر برآورد می‌کند. حضور چشم‌گیر و نافذ این زبان در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد، پزشکی، ورزش، رسانه و اینترنت در حالی انکارناپذیر می‌نماید که رشد تعداد گویشوران و فراگیران این زبان در سده اخیر فزونی شتابنده‌ای گرفته است. آن گونه که پنی کوک (۱۹۹۴ و ۲۰۰۷) معتقد است انگلیسی در سال ۱۶۰۰، زبان تنها شش میلیون گویشور بوده که این تعداد در سال ۱۷۰۰ به اندکی بیش از هشت میلیون رسیده و این رقم در سال‌های ۱۸۰۰ و ۱۹۰۰ به ترتیب به سی و صد و بیست میلیون نفر افزایش یافته است. الگوها و انگاره‌های متعددی از نحوه گسترش زبان انگلیسی در عرصه بین‌المللی ارایه گردیده است؛ از جمله مدل استیونز (۱۹۸۰)، کاجرو (۱۹۸۵ و ۸۸)، مک آرتور (۱۹۸۷) و مودیانو (۱۹۹۹). (برای آشنایی بیشتر با انگاره‌های مذکور نگاه کنید به داوری: ۱۳۸۹)

پیشینه آموزش رسمی زبان انگلیسی در مدارس ایران به سال ۱۳۱۸-۱۳۱۷ باز می‌گردد که در آن سال و با حمایت وزارت فرهنگ آن زمان مجموعه شش جلدی کتاب‌های زبان انگلیسی برای تدریس در مقطع شش ساله دبیرستان توسط گروهی از مؤلفان ایرانی و غیر ایرانی تدوین و منتشر گردید. فروزنده (۲۰۱۱: ۶۸) در مورد اولین کتاب‌های زبان انگلیسی کشورمان می‌نویسد: «این مجموعه از روش آموزش مستقیم^۱ و آموزش خواندن محور با تنوع وسیعی از موضوعات در هر کتاب تبعیت می‌کرد. این شش کتاب از طراحی و فرایند تدریس یکسانی در هر درس

1. Direct Method (DM)
2. Reading Method (RM)



برخوردار نبودند؛ به گونه‌ای که یک درس ممکن بود به معرفی قطعه‌ای ادبی در یک صفحه و بدون تمرین‌های مربوط به آن پردازد و درس دیگر فقط به دستور زبان خواه مرتبط یا نامرتب با درس‌های پسین و پیشین اختصاص یابد. این مجموعه از کتاب‌ها حدود ربع قرن و تا سال ۱۳۴۳ که با مجموعه موسوم به کتاب‌های سطح‌بندی شده^۱ جایگزین شد مورد استفاده قرار گرفت. در مجموعه جدید، مؤلفان کوشیده بودند از روش‌های تدریس سنتی مانند روش مستقیم به جریان غالب آن دوران به ویژه روش دیداری - شنیداری^۲ و آموزش موقعیت محور^۳ تغییر جهت داده و تحولات آموزش زبان در آن دوران را در محتوای کتاب‌های تألیف شده لحاظ کنند. این مجموعه از کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی نیز تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدارس تدریس می‌شد و از سال ۱۳۶۱ با مجموعه دیگری از کتاب‌ها جایگزین گردید.

آموزش زبان انگلیسی پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر تحول در نظام آموزشی کشور (از جمله افزوده شدن مقطع راهنمایی تحصیلی) تغییرات شکلی و محتوایی فراوانی یافت و تدریس زبان انگلیسی از سال نخست مقطع راهنمایی تحصیلی آغاز گردید (هرچند یک بار در سال‌های ابتدایی دهه شصت آموزش زبان از محتوای آموزشی سال اول راهنمایی حذف و آموزش آن به سال دوم وا نهاده شد؛ اما در بازنگری مجدد، آموزش این درس دوباره از سال اول مقطع راهنمایی از سرگرفته شد).

فروزنده (۲۰۱۱) در مقاله خود به تفصیل در مورد تغییرات و تحولات کتاب‌های درسی و به تبع آن شیوه تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان‌های کشور به بحث می‌پردازد و این تغییرات را به ویژه در سه مقطع ۱۳۶۹-۱۳۶۱، ۱۳۸۲-۱۳۷۰ و مجموعه‌ای که در حال حاضر در دبیرستان‌های کشور در حال استفاده است بررسی می‌کند. یکی از کاستی‌های عمده کتاب‌های زبان انگلیسی ایران در مقاطع مختلف از دید فروزنده (همان)، نبود سیاست‌گذاری کلان در عرصه آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشورمان است، نکته‌ای که پژوهشگرانی همچون کیانی و دیگران (۲۰۱۱) نیز به آن اشاره کرده و خواستار توجه بیشتر و دقیق‌تر به آن شده‌اند.

-
1. Graded English
 2. Audio-Lingual Method (ALT)
 3. Situational Language Teaching (SLT)

در زمینه نقد برنامه درسی ملی و ارتباط آن با اسناد کلان فرهنگی کشور پژوهش‌های چندی به انجام رسیده است. حسنی (۱۳۸۹) به بررسی شیوه هدف‌گذاری در ویراست سوم سند برنامه درسی ملی پرداخته است. وی نخست الگوی هدف‌گذاری را در سه سطح مفهومی، گزاره‌ای و سیستمی توصیف نموده و سپس با در نظر گرفتن چهار ملاک سازگاری درونی، سازگاری بیرونی، ارتباط طولی و ارتباط عرضی به نقد شیوه هدف‌گذاری در نگاشت سوم سند می‌پردازد و این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که علی‌رغم نوآوری‌های انجام شده در آن نگاشت از سند، در بخش هدف‌گذاری نواقصی در زمینه روابط طولی و عرضی و همچنین برخی موارد از ناسازگاری‌های درونی و بیرونی به چشم می‌خورد.

عنانی سراب (۱۳۸۹) به طور ویژه به راهنمای برنامه‌درسی مقطع متوسطه زبان‌های خارجی پرداخته و چالش‌ها و فرصت‌های نگارش چنین راهنمایی را بر مبنای برنامه‌درسی ملی بررسی نموده است. این مقاله به ویژه از آن جهت که فرایند تولید یک راهنمای برنامه درسی در چارچوب تعیین شده مبتنی بر اصول ارتباطی را در عمل توصیف می‌کند دارای نکات قابل توجهی است.

مهرمحمدی (۱۳۸۹) نیز به نقد نگاشت سوم برنامه درسی ملی می‌پردازد و پس از تأکید بر نقش مهمی که سند برنامه درسی ملی در آینده آموزشی کشور ایفا می‌کند به بررسی و نقد دو محور اساسی تمرکز زدایی (یا آزاد سازی) و تلفیق (یا در هم تنیدگی) در برنامه‌درسی می‌پردازد و این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که نگاشت سوم سند در زمینه توجه به این دو محور از ضعف نابسندگی رنج می‌برد.

کیانی از پژوهشگرانی است که در زمینه بررسی برنامه‌درسی ملی در بخش آموزش زبان انگلیسی آثار ارزشمندی ارائه نموده است. کیانی و دیگران (۲۰۱۱) به بررسی و نقد سیاست-گذاری زبانی کلان کشور در برنامه‌درسی می‌پردازد و سیاست‌گذاری زبانی را در ارتباط تنگاتنگ با سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی، اجتماعی و سیاسی ارزیابی می‌کند. نویسندگان پس از بررسی مفهوم سیاست‌گذاری زبانی، به بررسی مطابقه‌ای آموزش زبان در برنامه‌درسی ملی و اسناد کلان فرهنگی مانند نقشه جامع علمی کشور و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور می‌پردازند.



کیانی و دیگران (۱۳۹۰) نیز از سه منظر بررسی بخش زبان‌های خارجی از دیدگاه مبانی نظری و روش شناختی و هماهنگی و شفافیت محتوای درونی، نقد و بررسی محتوایی بر اساس مبانی بنیادین سیاستگذاری موجود در ادبیات مربوطه و نقد بخش مربوطه بر اساس اسناد کلان کشور به نقد و بررسی نگاهت سوم برنامه‌درسی ملی در بخش آموزش زبان‌های خارجی می‌پردازند. نویسندگان مقاله مذکور این گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که برنامه موجود دارای نقاط ضعفی همچون عدم هماهنگی و ارتباط اهداف و ابهام و عدم شفافیت بعضی مطالب مطرح شده می‌باشد. نتایج بررسی ایشان نشان داد که بخش زبان‌های خارجی برنامه‌درسی ملی (نگاشت سوم) نمی‌تواند زمینه را برای رسیدن به اهداف مطرح شده در اسناد بالا دستی فراهم کند.

پژوهش حاضر به روش مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام گرفته است به این صورت که پژوهشگران با مطالعه بخش‌های مرتبط با آموزش زبان انگلیسی موجود در اسناد بالادستی میزان انطباق و همسویی برنامه‌درسی ملی با اهداف مورد نظر این اسناد را بررسی نموده و مقتضیات اجرایی شدن این اهداف را بررسی نموده‌اند.

در ادامه این مقاله، ابتدا اهداف تبیین شده در اسناد فرادستی در زمینه آموزش زبان انگلیسی بررسی و بخش‌های مربوطه به صورت متمایز از سایر متن معرفی می‌گردند.

۱- اهداف آموزش زبان خارجی در اسناد فرادستی

در این بخش از پژوهش اهداف آموزش زبان خارجی (و یا اهداف مرتبط و نزدیک با آن) از چهار سند اصلی و مهم فرادستی استخراج و معرفی می‌گردد؛ این اسناد که به ترتیب اهمیت و اولویت مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران
- نقشه جامع علمی کشور
- سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخشی از سند ملی آموزش و پرورش
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

۱-۱ سند چشم انداز بیست ساله

این سند راهبردی به عنوان مهم‌ترین سند تدوین و ابلاغ شده توسط عالی‌ترین سطوح نظام، چشم انداز ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی را این گونه ترسیم می‌کند: (بخش‌های مرتبط

با حوزه آموزش و پرورش که به نوعی با آموزش زبان خارجی در ارتباط است پررنگ شده‌اند)

«... ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.»

جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت. برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب. فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن. دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکر و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصحلت.

همان‌طور که مشاهده می‌شود با توجه به کلیت و اهمیت سندی در این سطح نمی‌توان توقع اشاره مستقیم به مسائلی مانند نحوه آموزش زبان خارجی در برنامه‌درسی کشور را داشت. با این



حال بسیاری از بخش‌هایی که در متن فوق پررنگ شده‌اند به شیوه مستقیم یا غیر مستقیم با مهارت و توانمندی جامعه ایرانی در عرصه ارتباط و تعامل سازنده با جهان که مستلزم دستیابی به مهارت ارتباطی و زبانی در تراز بین‌المللی است در ارتباط می‌باشد. دست یافتن به جایگاه اول علمی و فناوری در سطح منطقه و تعامل مؤثر با جهان فرازهای بسیار مهمی از این سند استراتژیک است که بدون توجه به آموزش مؤثر از جمله در زمینه زبان‌های خارجی ممکن و میسر نمی‌باشد. سند چشم‌انداز، مبنای تنظیم سیاست‌های کلی چهاربرنامه پنج ساله آینده خواهد بود و افق جهت‌گیری کلی فعالیت‌های کشور را در ابعاد مختلف در بیست سال پس از ابلاغ این سند را مشخص می‌نماید. این چشم‌انداز، مبنای تدوین نقشه جامع علمی کشور شد که در سال ۱۳۸۹ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین و ابلاغ گردید.

۱-۲ سند نقشه جامع علمی کشور:

نقشه جامع علمی کشور، مجموعه‌ای است جامع و هماهنگ و پویا و آینده‌نگر، شامل مبانی، اهداف، سیاست‌ها و راهبردها، ساختارها و الزامات تحول راهبردی علم و فناوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله کشور. در این سند تلاش شده بر مبانی ارزشی و بومی کشور تجربیات گذشته و نظریه‌ها و نمونه‌های علمی و تجارب عملی تکیه شود. در فصل دوم این سند که به وضعیت مطلوب علم و فناوری اختصاص یافته است چشم‌انداز علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی این گونه ترسیم گردیده است:

«توانا در تولید و توسعه علم، فناوری و نوآوری و به کارگیری دستاوردها در کلیه حوزه‌ها، حائز رتبه نخست منطقه در اولویت‌های علم و فناوری کشور، برجسته در حوزه فناوری‌های نوین در سطح جهانی، دارای تمدنی شکوفا، روزآمد و حکمت بنیان مبتنی بر هویت اسلامی ایرانی»

در بخش سیاست‌های کلی توسعه علم فناوری و نوآوری سند مذکور می‌خوانیم: «تعامل سازنده با مراکز پیشرفته علمی و فناوری جهان با هدف بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی و رقابتی موجود و کشف و آفرینش مزیت‌های جدید نسبی و رقابتی در بازار جهانی در حوزه سرمایه‌های دانشی، انسانی و مالی».

راهبرد کلان شماره نه این سند با عنوان «تعامل فعال و اثر گذار در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر به ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام» ارتباط مستقیمی با شیوه آموزش زبان‌های خارجی در کشورمان دارد. این راهبرد کلان دارای پنج راهبرد ملی و ۲۵ اقدام ملی است که همگی به نوعی مرتبط با آموزش زبان انگلیسی است و به طور مشخص بند پنجم از اقدامات ملی «اصلاح و تحول در روش‌های آموزش زبان به ویژه زبان عربی و انگلیسی در مقاطع آموزش عمومی» با موضوع آموزش زبان‌های خارجی در ارتباط مستقیم است.

۱-۳ سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت:

مبانی نظری سند ملی آموزش و پرورش شامل فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران که در مرداد ماه ۱۳۸۹ به تأیید کلی شورای عالی آموزش و پرورش رسید در یکی از راهکارها به آموزش زبان خارجی در قالب بخش نیمه تجویزی برنامه درسی به شرح ذیل پرداخته است:

راهکار ۵/۱: ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه-درسی، با رعایت اصل تثبیت تقویت و هویت اسلامی - ایرانی.

به نظر می‌رسد از آن جا که در درس زبان‌های خارجی دانش‌آموزان از بین زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه حق انتخاب دارند، در این راهکار از این درس با عنوان نیمه تجویزی یاد شده است.

۱-۴ برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران:

برنامه درسی ملی به عنوان سندی که می‌بایست تحقق بخش موارد مطرح شده در اسناد کلان‌تری که در بخش‌های قبل به آن‌ها اشاره گردید باشد در مراحل نهایی تصویب قرار دارد و در تولید آن هزاران کارشناس زبده برنامه‌ریزی آموزشی، اساتید دانشگاه، معلمان با تجربه و کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت دخالت داشته‌اند. در ادامه فرازهای مربوط به آموزش زبان‌های خارجی که در آخرین نسخه این سند (نگاشت چهارم) منتشر گردیده است مرور می‌گردد:



" آموزش زبان‌های خارجی بستر مناسبی را برای درک و دریافت و انتقال میراث فرهنگی و دستاوردهای دانش بشری در قالب‌های متنوع زبانی به صورت شفاهی، دیداری، و نوشتاری، برای مقاصد و مخاطبان گوناگون در مبادلات بین فرهنگی فراهم می‌کند.

ضرورت و کارکرد حوزه: از آن جا که مراودات اجتماعی تحت تأثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می‌کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه ضروری است متریان علاوه بر زبان مادری که به آنان امکان تعامل در سطح روابط میان فردی (خانوادگی، محلی و ملی) را می‌دهد، توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقه‌ای و جهانی دارا باشند. آموزش زبان خارجی علاوه بر کارکرد ارتباط میان فردی و بین فرهنگی، در توسعه اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فن‌آوری، توسعه علم و هوشیاری اجتماعی سیاسی مؤثر است.

قلمرو حوزه: آموزش زبان‌های خارجی باید از دایره تنگ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های تدوین شده در جهان فراتر رود و به بستری برای تقویت فرهنگ ملی و باورها و ارزش‌های خودی در نظر گرفته شود و با توجه به این که تربیت اساساً آماده‌کننده زمینه و بسترهای لازم برای رشد و تعالی انسان است، باید تدابیر و اقدامات سنجیده‌ای برای نیل به این مقصود اندیشیده شود. امروزه آموزش زبان بر توانایی ارتباطی و حل مسئله تأکید دارد به گونه‌ای که فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارت‌های چهارگانه زبانی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) برای دریافت و انتقال معنا باشد.

آموزش رسمی و عمومی زبان خارجی از ابتدای دوره اول متوسطه آغاز می‌شود و هدف آن آموزش چهار مهارت زبانی و آشناسازی متریان با مهارت‌های ارتباطی در چارچوب جهت‌گیری‌های کلی مورد نظر خواهد بود. در دوره دوم متوسطه، متریان باید بتوانند متنی در حد متوسط را بخوانند و مفاهیم آن‌ها را دریابند. در ضمن توانایی نوشتن، در حد یک مقاله کوتاه، به زبان خارجی نیز در آن‌ها تقویت شود. با توجه به این اهداف و برنامه‌ریزی برای تحقق آن‌ها می‌توان امیدوار بود در پایان دوره متوسطه، متریان از توانایی‌های لازم برای استفاده از منابع در حد متوسط برخوردار باشند و توانایی برقراری ارتباط را به یکی از زبان‌های خارجی داشته باشند. آموزش زبان‌های خارجی در شاخه‌های زبان

انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و سایر زبان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند ارائه خواهد شد. برنامه‌درسی زبان عربی به مثابه یک زبان خارجی برای متریبانی که علاقه‌مند به انتخاب آن هستند، رسمیت خواهد داشت. جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: رویکرد آموزش زبان‌های خارجی، رویکرد ارتباطی فعال و خودباورانه است. در سطوح آغازین آموزش، محتوای آموزشی پیرامون موضوعات بومی و نیازهای یادگیرنده چون بهداشت و سلامت، زندگی روزمره، محیط اطراف و ارزش‌ها و فرهنگ جامعه در قالب‌های جذاب انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود و در سطوح بالاتر انتخاب و سازماندهی محتوای این حوزه به سمت کارکردهای فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... متناسب با متون آموزشی سایر حوزه‌های یادگیری و در جهت تعمیق آن آموزش‌ها خواهد بود. در پایان دوره دوم متوسطه متریبان باید توانایی خواندن و درک متون ساده تخصصی را کسب کنند.

۲- میزان انطباق برنامه درسی ملی با اسناد فرادستی در حوزه آموزش

زبان‌های خارجی:

بررسی میزان همسویی و انطباق برنامه درسی ملی در بخش آموزش زبان‌های خارجی که پرسش نخست تحقیق حاضر را نیز به خود اختصاص داده است نشان دهنده این موضوع است که اهم اهداف مورد نظر اسناد کلان در حوزه‌های مربوط به آموزش زبان‌های خارجی عبارتند از:

- ارتقای سطح علمی کشور در عرصه منطقه‌ای و جهانی به گونه‌ای که در افق سال ۱۴۰۴ ایران کشور اول منطقه در زمینه دانش و فناوری بوده و در عرصه بین‌المللی نیز ایفاگر نقشی تأثیرگذار و الهام‌بخش باشد.
 - توانایی ایجاد ارتباط و تعامل با نهادهای علمی بین‌المللی به ویژه نهادهای منطقه‌ای و جهان اسلام.
 - تحول در شیوه آموزش زبان‌های خارجی به ویژه زبان انگلیسی.
- به نظر می‌رسد مفاد نگاشت نهایی برنامه‌درسی ملی در حوزه زبان‌های خارجی به صورت بالقوه توانایی برآورده کردن بخش عمده این اهداف را دارا باشد. در صورتی که دانش‌آموزان ایرانی به شیوه ارتباطی فعال و خودباورانه و با توجه به رویکرد حل مسأله از آموزش مؤثری در



بخش زبان‌های خارجی برخوردار شوند، توانایی تعامل دانشمندان و پژوهشگران کشورمان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌گردد و این موضوع زمینه‌ساز تحقق مرجعیت علمی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. تغییر رویکرد آموزش زبان‌های خارجی از شیوه سنتی به ارتباطی نیز تحولی است که می‌تواند مقدمات اهداف پیشتر گفته شده را فراهم آورد. در برنامه‌درسی ملی رویکرد آموزش زبان‌های خارجی، شیوه «ارتباطی فعال و خود باورانه» تعریف گردیده است که نشان از حرکت از روش‌های تدریس سنتی (روش‌هایی مانند دستور-ترجمه، مستقیم و دیداری - شنیداری) به سوی روش‌های نوین ارتباطی دارد. قید دو صفت «فعال» و «خودباورانه» نشان دهنده نقش مهم فراگیر در فرایند یاددهی - یادگیری است، موضوعی که امروزه بسیار مورد توجه و تأکید کارشناسان آموزش زبان دوم و زبان بیگانه می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد در برنامه‌درسی ملی رویکرد آموزشی، رویکرد ارتباطی است اما نسبت به روش و تکنیک‌های آموزشی اشاره‌ای نشده و احتمالاً این قسمت‌ها به راهنمای برنامه درسی زبان‌های خارجی واگذار گردیده است. بنابر تقسیم‌بندی آنتونی (۱۹۶۳) رویکرد^۱ مجموعه‌ای از اصول و ایده‌ها در مورد ماهیت زبان آموزی است که در طول زمان دارای ثبات باقی می‌ماند حال آن که مفهوم شیوه^۲ در نظر او مفهومی کاربردی‌تر و جزئی‌تر است که برنامه کلی و زمان بندی شده ارایه محتوای آموزشی را شامل می‌شود. شیوه برنامه‌ای است که از طریق کاربرست تکنیک‌های خاص محقق می‌شود و منظور از تکنیک، فعالیت‌هایی است که به طور ملموس به اجرا در می‌آید تا اهداف تعیین شده در شیوه تدریس و در مرحله بالاتر رویکرد آموزشی محقق گردد.

ویژگی مهم دیگر برنامه‌درسی که همسو با اهداف فرادستی است توجه به هر چهار مهارت یادگیری زبان می‌باشد، موضوعی که پیشتر به ویژه در حوزه‌های گوش دادن و صحبت کردن مغفول مانده بود. البته می‌بایست این نکته را در نظر داشت که کتاب‌های زبان انگلیسی فعلی مورد استفاده در آموزش و پرورش رسمی کشور در زمانی تدوین و معرفی گردیدند که امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کافی برای پرداختن به این دو مهارت در اختیار نبود و در سال‌های اخیر با گسترش نفوذ رایانه و رایانه‌های همراه در سراسر کشور و توزیع لوح‌های فشرده و

1. Approach
2. Method

نرم‌افزارها و فیلم‌های متنوع آموزشی نیاز به این دو مهارت به منظور تحقق اهداف معین شده در رویکرد ارتباطی بیشتر احساس شده و زمینه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تحقق این امر مهیاست.

دیگر ویژگی مثبت برنامه درسی ملی در بخش آموزش زبان‌های خارجی، تفکیک مواد درسی در سطوح آغازین آموزش از سطوح بالاتر می‌باشد؛ به گونه‌ای که در سطوح آغازین مواد آموزشی بیشتر بر حول موارد بومی و ملموس تر تأکید داشته و در سطوح بالاتر، فراگیر با مفاهیم تخصصی‌تر و جهان شمول‌تر آشنا می‌شود که این ویژگی نشان دهنده توجه سند به آموزش هدفمند محتوای آموزشی متناسب با رشد توانش زبانی و مقتضیات سنی متربیان است. در صورت تحقق این بخش از سند احتمال تأثیرگذاری منفی آموزش زبان خارجی بر کودکان و نوجوانان و مواردی که مورد توجه زبان‌شناسان انتقادی به ویژه با رویکرد بررسی امپریالیسم زبانی است به حداقل می‌رسد.

توجه به نقش «حل مسأله» و ایجاد این توانایی حیاتی در فراگیران از دیگر موارد همسویی برنامه درسی ملی با اسناد فرادستی است. در این سند فراگیری زبان خارجی به منظور ایجاد ارتباط و تعامل تعریف گردیده که می‌بایست به حل یک مسأله و نیاز منجر شود. توانمندی‌های مورد نظر نیز به طور نسبی مورد اشاره قرار گرفته است، به گونه‌ای که فارغ التحصیلان دوره متوسطه دوم می‌بایست توانایی خواندن متون متوسط را یافته و بتوانند مقاله کوتاهی به زبان مورد نظر بنویسند. همچنین از آن‌ها انتظار می‌رود قادر به استفاده از منابع تخصصی در حد متوسط بوده و امکان برقراری ارتباط از طریق زبان مورد نظر را یافته باشند.

افزایش زمان تدریس زبان‌های خارجی نیز ویژگی دیگری است که همسو با اهداف اسناد کلان فرهنگی کشور می‌باشد.

در وضعیت فعلی ساعت سالانه آموزش درس زبان در مقطع متوسطه اول، نود و سه ساعت است که در وضعیت پیش بینی شده به صد و نوزده ساعت افزایش می‌یابد و در مجموع دوازده درصد از برنامه درسی پیش بینی شده را شامل می‌گردد.

در مقطع متوسطه دوم نیز با افزایش یازده ساعتی آموزش زبان‌های خارجی روبه رو هستیم و این درس با هشتاد ساعت تدریس سالانه در مجموع ۷/۱ درصد از برنامه درسی آینده را به خود اختصاص می‌دهد.



در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش درس زبان‌های خارجه با هجده ساعت افزایش تدریس سالانه به هفتاد و یک افزایش می‌یابد که ۵/۶ درصد از برنامه‌درسی در این مقطع را شامل می‌شود. علی‌رغم این افزایش نسبی در زمان آموزش زبان انگلیسی به نظر می‌رسد با توجه به تأکید برنامه بر توجه به هر چهار مهارت آن هم به شیوه ارتباطی که مستلزم صرف وقت و تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر و با معلم در موقعیت‌های مختلف است، میزان زمان تعیین شده در برنامه کافی و یا حداقل بهینه نباشد هر چند انجام پژوهش‌های تکمیلی در این زمینه پیشنهاد می‌شود.

هدف‌گذاری‌های تعریف شده در سند برنامه درسی ملی هر یک از ارزش و اهمیت به سزایی برخوردار هستند؛ به گونه‌ای که نباید از هیچ یک از آن‌ها غفلت نمود؛ اما اکنون این سؤال مجال طرح می‌یابد که بستر تحقق این اهداف چگونه فراهم خواهد آمد و مقتضیات و چالش‌های احتمالی فرایند تحقق این سند کدامند؟

۱-۲ مقتضیات و مقدمات اجرای سند:

همان‌طور که مطرح گردید برنامه‌درسی ملی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران زمینه ایجاد تحولی درخور توجه را در بخش آموزش زبان انگلیسی فراهم آورده است؛ اما وجود برخی کاستی‌ها و چالش‌ها در فرا روی اجرای این سند حیاتی و اساسی را نباید از نظر دور داشت که در ادامه و به اختصار به برخی از این چالش‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۱-۲ تربیت دبیران کارآمد و توانمند:

یکی از مهم‌ترین مقتضیات اجرای کامل و دقیق برنامه درسی ملی توانمندسازی دبیران زبان انگلیسی فعلی و تربیت نسل جدیدی از آموزشگران درس زبان انگلیسی در مراکز و دانشگاه‌های تربیت معلم است که علاوه بر اندوخته‌های نظری، به لحاظ عملی نیز با شیوه‌ای آموزش به سبک ارتباطی آشنا باشند. این مهم بیانگر ضرورت ارتباط تنگاتنگ آموزش و پرورش و آموزش عالی در زمینه تربیت دبیر و توانمندسازی دبیران موجود است.

۲-۱-۲ تجهیز مدارس به سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای لازم:

تحقق آموزش زبان به شیوه ارتباطی فعال و خودباورانه مستلزم پیش‌یابی و زمینه‌سازی‌های نرم‌افزاری‌ها و سخت‌افزاری کافی از جمله تجهیز مدارس به لابراتوارهای رایانه و تولید نرم‌افزارهای کمک آموزشی از جمله فرهنگ واژگان همراه با تلفظ صحیح، خواندن متن‌های

کتاب با گویش قابل قبول، تهیه تمرین‌های تعاملی و گفتگوهای جذاب به عنوان مواد کمک آموزشی تکمیلی و به طور خلاصه تهیه بسته آموزشی دانش‌آموز و راهنمای معلم است.

۲-۱-۳ تهیه کتاب‌های آموزش زبان به شیوه تعاملی:

تهیه و تدوین کتاب‌های مناسب درس زبان انگلیسی که از وظایف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است از دیگر الزامات بسیار مهم تحقق اهداف مورد نظر برنامه است. بررسی وضعیت کتاب‌های فعلی نشان دهنده ضرورت انجام تغییرات بسیار بنیادین در کتاب‌های موجود و تغییر رویکرد آن‌ها به ارتباطی فعال و خودباورانه است.

۲-۱-۴ تخصیص زمان کافی به درس زبان خارجی:

تغییر رویکرد آموزشی از سنتی به ارتباطی مستلزم بازنگری در زمان تخصیصی به درس زبان انگلیسی است. بی شک انجام تمرین‌های ارتباطی و تمرکز بر مهارت‌هایی مانند گوش دادن و صحبت کردن مستلزم صرف وقت زیادی است؛ به گونه‌ای که اگر معلم بخواهد به طور متوسط با هر یک از دانش‌آموزان در هر جلسه دو دقیقه گفت و شنود انجام دهد تقریباً حدود نیمی از وقت مفید کلاس مصروف این فرایند خواهد شد. در شرایط فعلی گرچه شاهد رشد زمان اختصاص یافته به درس زبان خارجی هستیم اما این میزان ممکن است برای تحقق اهداف مد-نظر کافی نباشد.

نتیجه گیری:

در این مقاله پس از مرور مختصر تاریخیچه آموزش زبان خارجی در کشورمان به بررسی میزان انطباق برنامه درسی ملی با اهداف تعیین شده در اسناد فرادستی مانند سند نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت در بخش آموزش زبان‌های خارجی پرداخته و مزیت‌ها و الزامات اجرای مفاد برنامه درسی ملی در این حوزه را بررسی نمودیم. در پاسخ به پرسش‌های تحقیق، به نظر می‌رسد برنامه درسی ملی در حوزه یادگیری زبان‌های خارجی کوشیده است اهداف مورد نظر در اسناد فرادستی را مد نظر قرار دهد. در اکثر این اسناد توجه به ارتقای جایگاه علمی کشور در سطح منطقه و جهان و داشتن تعامل سازنده با دیگر کشورها به ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام مورد توجه بوده است. به نظر می‌رسد برنامه درسی ملی با جایگزین کردن رویکرد ارتباطی به جای روش‌های سنتی دستور-ترجمه و روش‌های مبتنی بر مهارت خواندن قصد دارد این هدف‌ها را محقق کند. پرداختن به هر چهار



مهارت فراگیری زبان به جای تمرکز صرف بر مهارت خواندن نیز دیگر ویژگی سند در مسیر تحقق اهداف مد نظر اسناد کلان می‌باشد. در نتیجه به نظر می‌رسد برنامه مذکور همسو با اسناد کلان فرهنگی کشور تدوین گردیده و به صورت بالقوه توانایی محقق کردن اهداف کلان را داراست اما تحقق موارد معین شده در برنامه مستلزم تأمین پیش نیازهایی است که در بخش قبل به تفصیل به آن‌ها اشاره شد. به عنوان مثال پرداختن به هر چهار مهارت زبانی آن‌هم با شیوه‌های ارتباطی که مستلزم تعامل فعال فراگیران با یکدیگر و با معلم است تبعاً نیازمند زمان بیشتری است. اداره کلاس با رویکرد ارتباطی علاوه بر این که مستلزم وجود کتاب و بسته آموزشی متناسب با این رویکرد است، نیازمند وجود معلمی آموزش دیده و با انگیزه است که با مقتضیات و ویژگی‌های این رویکرد به خوبی آشنا بوده و توانایی اداره کلاس به این شیوه را داشته باشد. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به نگاه کلی برنامه درسی به حوزه آموزش زبان لازم است تا راهنمای برنامه‌درسی زبان‌های خارجی با دقت و تفصیل کافی تهیه گردد و محتوا و تکنیک‌های تحقق اهداف مورد نظر برنامه‌درسی مبتنی بر اصول برنامه ریزی درسی معین شود تا مانع از اعمال سلیقه و تشتت آراء در شیوه‌های تدریس و ارزشیابی گردد.

حرکت به سوی آموزش ارتباطی زبان انگلیسی که نوید بخش تحول آموزش این درس از شیوه سنتی به شیوه‌های نوین است نیازمند عزم جدی تمامی برنامه‌ریزان، سیاستگذاران، معلمان و اساتید حوزه آموزش زبان‌های خارجی است و نگاه تجویزی و تک بعدی به آن مانع از تحقق کامل آن خواهد شد.

منابع:

- احمدی، علی اصغر و همکاران، (۱۳۸۷)، گزارش کمیته ساختار، مقاطع، رشته‌ها و جدول زمانی، دبیرخانه طرح برنامه درسی ملی.
- اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۹) دبیرخانه شورای عالی.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، طرح تحول بنیادین برنامه‌های درسی و تربیتی (بهمن ۱۳۸۹)، تهران؛ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- چکیده مطالعات جدول ساعات برنامه درسی (۱۳۷۸)، کمیته محتوای آموزشی و پرورشی و حوزه‌های یادگیری برنامه درسی ملی، دبیرخانه طرح برنامه درسی ملی.

- حسینی، محمد. (۱۳۸۹). نقد الگوی هدف گذاری سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم، شماره هجده، پاییز ۱۳۸۹.
- سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی در افق چشم انداز (۱۳۸۸) طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش.
- عنانی سراب، محمدرضا. (۱۳۸۹). راهنمای برنامه درسی زبان های خارجی دوره متوسطه: فرصت ها و چالش های تولید و اجرای برنامه، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۹.
- کاکوجویباری، علی اصغر و دیگران. (۱۳۸۲)، سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کیانی، غلام رضا و دیگران. (۱۳۹۰)، نگاهی دوباره به رویکرد برنامه درسی ملی نسبت به آموزش زبان های خارجی، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره دوم شماره دو تابستان ۱۳۹۰.
- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، (۱۳۸۷) تهران، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مهر محمدی، محمود. (۱۳۸۹)، نقدی و نظری بر نگاشت سوم سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم شماره ۱۸ پاییز ۱۳۸۹.

- Anthony, E. M. (1963). "Approach, Method, and Technique". *ELT Journal* (2): 63–43. doi:10.1093/elt/XVII.2.63.
- Crystal, D. (1997). **English as a Global Language**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crystal, D. (2003). **The Cambridge Encyclopedia of the English Language**. 2nd edn. Cambridge: Cambridge University Press.
- Davari, H. (2011). **Linguistic Imperialism or Global Understanding? ELT in Globalization from an Iranian Perspective**. M.A. thesis, Payam Nour University.
- Foroozandeh, E. (2011). **History of High School English Course Books in Iran: 1318-1389** (1939-2010), *Roshd Foreign Language Teaching journal*, vol.26 No.1 (57-69).
- Jenkins, J. (2007). **English as a Lingua Franca: Attitudes and Identity**. Oxford: Oxford University Press.
- Kachru, B. B. (1985) **Standards, codification and sociolinguistic realism: the English**
Kachru, B. B. (1986). **The Alchemy of English: The Spread, Functions and Models of Non-native English**, Oxford: Pergamon Institute Press.
- Kachru, B. B. (1988). **The sacred cows of English**. *English Today*, 16: 3-8.
- Kiyani, G.R., Mirhosseini, A. and Navidinia, H. (2011) **Foreign Language Education Policies in Iran:**
- Pivotal Macro Considerations, *Journal of English Language Teaching and Learning*, No.222, Year, 53/Autumn-Winter 2011



- McArthur, T. (1987). The English languages? *English Today*, 11: 9-11.
- Modiano, M. (1999). Standard English(es) and educational practices for the world's lingua franca. **English Today**, 15(4): 22-34.
- Pennycook, A. (1994). **The Cultural Politics of English as an International Language**. Essex: Longman Group Ltd.
- Pennycook, A. (1998). **English and the Discourse of Colonialism**. London: Routledge.
- Pennycook, A. (2001). **Critical Applied Linguistics: A Critical Introduction**. Mahawah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Pennycook, A. (2007). **ELT and colonialism**. In J. Cummins and C. Davison (Eds.) **International Handbook of English Language Teaching** (pp. 13-24). Springer.
- Phillipson, R. (1992). **Linguistic Imperialism**. Oxford, Oxford University Press.
- Stevens, P. (1980). **Teaching English as an International Language: From Practice to Principle**. Oxford: Pergoman.
- Tollefson, J. W. (Ed.) (2002). **Language Policies in Education**. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Tsuda, Y. (1997). **Hegemony of English vs. ecology of language: Building equity in international communication**. In L. E. Smith and M. L. Forman (Eds.), *World Englishes 2000: Selected Essays* (pp. 171-182). Honolulu, HI: College of Language, Linguistics and Literature, University of Hawaii and the East-West Center.
- Wardhaugh, R. (1987). **Languages in Competition**. Oxford: Blackwell.